

طرح، پیش نویس و مجموعه تلویزیونی

دنيس آيك

مترجم: مسعود مدنی

فهرست

۶	مقدمه مترجم
۹	۱- مقدمه
۱۳	۲- فرایند توسعه و تحول یک ایده
۲۰	۳- بازار و ایده
۲۶	۴- عنوان یا نام
۳۰	۵- طرح (Expose)
۸۰	۶- پیش‌نویس (Treatment)
۸۵	اکنون بپردازیم به محتوای پیش‌نویس
۸۹	کارکرد پیش‌نویس
۹۲	شکل ارائه پیش‌نویس
۹۵	شخصیت‌ها در پیش‌نویس
۱۰۱	ساختار پیش‌نویس
۱۰۸	زمینه (Setting)
۱۱۰	مضمون
۱۱۳	زیرمتن (Subtext)
۱۱۳	سیک پیش‌نویس
۱۲۳	گفتگو
۱۲۶	خلاصه
۱۲۷	۷- «پیش‌نویس تصویری» یا خلاصه صحنه
۱۶۶	۸- طرح مجموعه تلویزیونی
۱۸۱	ایده‌هایی برای طرح داستانی سایر بخش‌ها - دورنمای مجموعه
۱۸۳	خلاصه پیشنهاد اصلی برای مجموعه تلویزیونی

حقیقتی ساده و روشن که غالباً نادیده گرفته می‌شود اینست که پیش از نگارش فیلمنامه نهایی (screenplay)، مراحل نگارشی پشت سر گذاشته می‌شود: مراحل چون «پیش‌نویس» (treatment)، «طرح» (exposé)، «خلاصه داستان» (outline) و یا «پیشنهاد» (series concept).

پیش از آنکه فیلمنامه‌نویس، فیلمنامه را بنویسد باید بتواند کسانی را بیابد که به حمایت از کار او بپردازند و شیفته ایده‌اش باشند. نویسنده به انسانهایی نیاز دارد که برای کاری که انجام می‌دهد، به او دستمزد بپردازند. در مرحله اول فیلمنامه‌نویس باید آنان را نسبت به ایده خود مجاب کند و این مهم از طریق «طرح»، «پیش‌نویس» و شاید «پیشنهاد مجموعه» انجام می‌شود.

هر قالب ادبی براساس قالب‌های استاندارد مخصوص به خود نگاشته می‌شود. به این ترتیب است که بسیاری از دست‌اندرکاران فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی در شکل‌گیری متن نمایشی نهایی سهیم می‌شوند. به همین دلیل تصور این افراد دست‌اندرکار از اینکه «طرح» یا «پیش‌نویس» چه باید باشد یا نباشد، شامل چه چیزهایی باید باشد و نباشد و نویسنده در آنها از چه چیزهایی باید احتراز کند، گاه بسیار متفاوت از یکدیگر است. و این مورد درست در تضاد با تصور عمومی افراد از فیلمنامه است که همیشه تصویری مشخص و روشن از آن دارند. دلیلش هم اینست که گروه‌های مختلف دست‌اندرکار تولید، تصور مشابهی و یکسانی از ساختار و شکل ظاهری فیلمنامه دارند. در آمریکا کتاب‌های بسیاری درباره جزئیات شکل ظاهری و شکل صفحات تایپ شده فیلمنامه به چاپ رسیده است. چرا که شکل ظاهری نگارش فیلمنامه خود کلید مهمی در موفقیت در فیلمنامه‌نویسی به شمار می‌آید.

از روی تجربه شخصی‌ام به عنوان فیلمنامه‌نویسی جوان باید بگویم که دریافت چنین اطلاعاتی به طور معمول بسیار دشوار است. اینکه «طرح» یا «پیش‌نویس» چیست و چگونه باید نوشته شوند، مواردی نیست که به راحتی در یک کتاب توضیح داده شده باشد. بسیار کتاب‌های راهنمای «چگونه...» در باب فیلمنامه‌نویسی - صرفنظر از عناوینشان - به موضوع فرم یا شکل ظاهری نگارش فیلمنامه طولانی ۱۲۰ صفحه‌ای می‌پردازند، فیلمنامه‌ای که باید اساس تولید فیلم سینمایی باشد، اما در این کتابها از شکل‌های مختلف مراحل نگارشی

منجر به تولید فیلمنامه و به ویژه در مورد نگارش مجموعه‌های تلویزیونی سخنی به میان آورده نمی‌شود. هدف عمده این راهنماها البته آنست که نویسندگان جوان را به فنون نگارش فیلمنامه آشنا کنند. این هدف البته به نوبه خود پسندیده است، اما نویسنده در این گونه کتب اطلاعات مهم درباره طی کردن راه از شروع ایده اصلی تا فروش نهایی فیلمنامه را به دست نمی‌دهد. اینکه چطور نویسنده «طرح» و یا «پیش‌نویس» فیلم را باید بنویسد و اینکه به کمک این قالب‌های میانی چگونه می‌تواند ایده‌اش را به شکل نهایی برساند، در باره همه این موضوعات این کتابها خاموش می‌مانند.

به یاد دارم که از زمانی که به عنوان یک خواننده حرفه‌ای و ویرایشگر تلویزیونی مشغول به کار بودم، چطور از نویسندگان جوانی که متن‌های پیشنهادی‌اشان را باید می‌خواندم و ارزشیابی می‌کردم، انتظار داشتم که کاملن حرفه‌ای بوده و از یک شکل نگارشی یکسان استفاده کنند. تجربه نشان می‌دهد که حتی بسیاری نویسندگان حرفه‌ای هم از اینکه «پیش‌نویس» چیست و چه نیست، تصور روشنی ندارند. از طرفی یک فیلمنامه نوس خوب همیشه هم نباید حتمن نویسنده یک خلاصه طرح خوب نگاشته شده باشد، چرا که این دونوع متن، شکل‌های نگارشی متفاوتی هستند و نیازمند استعدادهای متفاوت، حالا فرقی نمی‌کند داستانی ساده یا داستانی پیچیده باشد که به گونه‌ای فشرده روایت می‌شود یا نه. شیوه روایت باید همواره چنان جذاب باشد که خواننده را شیفته و مجذوب خود کند. همانطور که برخی نویسندگان در گفتگو نویسی استعدادی ویژه دارند و برخی دیگر در ساختار فیلمنامه دارای استعداد فوق‌العاده هستند، برخی دیگر در نگارش متن‌های کوتاه دارای استعداد هستند و .. بسیار «پیشنهادهای مجموعه تلویزیونی» هم هست که به دلیل نبود نویسنده با استعداد شکل نگرفته است، البته این امر گاه به دلیل نبود دقت و تحمل لازم هم پیش می‌آید، چراکه نویسنده دلش می‌خواهد بی‌درنگ نگارش فیلمنامه را شروع کند. چراکه وقتی نویسنده جوان «پیش‌نویس» را به عنوان وظیفه‌ای پرزحمت نگاه کند، آنگاه به هر شکل تلاش می‌کند که هرچه زودتر آن را از سر باز کند. این خطای بسیار بزرگتری است. چراکه با وجود این خطا، این امکان را کاهش می‌دهد که ایده‌اش در معرض داوری دیگران قرار گیرد. کوتاه گفته باشیم «طرح» همیشه یک وسیله بازاریابی است که مشتری احتمالی فیلمنامه را باید نسبت به ایده اولیه نویسنده مجاب کند.

به عبارت دیگر موضوع این نیست که نویسنده، «پیش‌نویس» یا «طرح» را چگونه باید به عنوان یک متن جداگانه بنویسد، هدف این نیست که او دفتر راهنمایی برای یک کالا بنویسد که هدف تهیه و ارائه پیشنهادهایی برای انجام نگارش فیلمنامه نهایی است. هدف

این پیشنهادات این است که ذهن تیزبین خواننده حرفه‌ای را مجاب کند و او را نسبت به ایده اصلی فیلمنامه شیفته و مجذوب کند. در اینجا هدف نویسنده رسیدن به روش‌هایی است که از طریق آنها ایده اصلی را به گونه‌ای مجاب‌کننده به تهیه‌کننده احتمالی عرضه کند. اما اینکه چگونه او ایده‌ی درخشان‌ی برای فیلمنامه‌اش پیدا کند، مشکلی است که او باید به تنهایی دنبال کند.

در دوران سردبیری‌ام در بخش فیلمنامه استودیو یاد گرفتم که چگونه «پیش‌نویس» و «طرح» را از دیدگاه دیگران بخوانم، یعنی نوشته آنان را به عنوان وسیله‌ای و مرحله‌ای در راه شکل‌گیری فیلمنامه نهایی یا برنامه تلویزیونی بخوانم. امیدوارم تجربیات من در این دوران به یاری شما خواننده و نویسنده جوان نیز بیاید که زمینه پیچیده شکل‌گیری ایده و تحول آن به صورت فیلمنامه نهایی برایتان روشن شود.

وقتی مسیر شکل‌گیری فیلمنامه نهایی از دیدگاه سفارش‌دهنده به صورت یک مسیر مشخص درآمد، در آن صورت برای فیلمنامه‌نویس سودمند خواهد بود که ایده‌اش را از طریق مراحل «طرح» و «پیش‌نویس» شکل دهد. یک حساب ساده: برای نوشتن فیلمنامه برای یک فیلم سینمایی، نویسنده از شش ماه تا یک سال وقت صرف می‌کند. البته استثناءهایی هم وجود دارد (در زمان کوتاه‌تر از این هم می‌توان فیلمنامه‌ای را نوشت) اما این استثناها بیشتر شامل نویسندگانی می‌شود که مرتب در حال نوشتن فیلمنامه بوده و دارای تجربه سالیان دراز هستند. برای هر نویسنده‌ای مسئله مهم اینست که در زمان نوشتن یک فیلمنامه، در زندگی‌اش دسترسی به منابع مالی داشته و از آن هم مهمتر: اگر نویسنده پس از زمان طولانی کار متراکم بر روی فیلمنامه پاسخ منفی دریافت کرد- با این استدلال که فیلمنامه در نمودار هویتی فرستنده تلویزیونی نمی‌گنجد و یا استودیو ادعا کند که فیلمنامه‌ای بسیار شبیه به ایده او در مراحل شکل‌گیری پیشرفته داشته- چگونه او باید با این وضعیت حاصل روبرو شود؟ در این صورت نویسنده با خود فکر خواهد کرد که اگر به جای این فیلمنامه، چند طرح دیگر نوشته و شکل داده بود شاید از اقبال بیشتری در کارش برخوردار می‌شد. به این ترتیب باید همواره نویسنده را همیشه- گرچه غالباً از ایشان این انتظار نمی‌رود- به عنوان مردان تجارت و پیشه نگاه کرد.

یک نکته مسلم: مراحل «طرح» و «پیش‌نویس» در سرفه جویبی زمان، پول، نیرو و کار نگارشی، بسیار موثراند.